

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص) در مواجهه با یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان (صفحات ۱۸۹ تا ۲۱۰)

محمد مهدی مستوفی شریبانی^۱ * رضا غلامی^۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده

گسترش ارتباطات در عصر حاضر و افزایش جابجایی‌ها، موجب شده تا افراد و گروه‌های مختلف، پیوسته در حال تعامل و برقراری ارتباطات با افرادی از دیگر فرهنگ‌ها باشند. طی این تعاملات متعدد، بدون شک، تأثیر و تأثر فرد از فرهنگ‌های متفاوت پدیده‌ای رایج خواهد بود. پژوهش حاضر با نگاهی تطبیقی به دنبال بررسی ویژگی‌های شیوه مناسب برقراری ارتباطات میان فرهنگی از دیدگاه اسلام با فرهنگ‌های مختلف است که بدین منظور، به بررسی سیره پیامبر (ص) و آیات قرآن پرداخته و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی تاریخی و تطبیقی داده‌های گردآوری شده از منابع کتابخانه‌ای با سؤال پژوهش، در پی ارائه الگویی مرحله‌ای از اصول ارتباطات میان فرهنگی از دیدگاه اسلام برآمده است. نتایج حاصل از تحلیل و بررسی داده‌های به دست آمده را می‌توان در شش مرحله عنوان کرد که به ترتیب عبارتند از: (۱) تأیید و تأکید بر اشتراکات فرهنگی؛ (۲) تبلیغ و دعوت به فرهنگ خودی؛ (۳) نصیحت و دعوت به تفکر و گفتگوی آزاد علمی؛ (۴) انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مشترک فرهنگی؛ (۵) هشدار در برابر تقابل و تهاجم فرهنگی؛ (۶) دفاع و مبارزه با فرهنگ مخرب. باید به این نکته توجه داشت که مرحله‌ای بودن این فرآیند ارتباطی، به معنای حرکت از مرحله ابتدایی و الزاماً رسیدن به مرحله پایانی نیست.

واژگان کلیدی: ادیان، ارتباطات میان فرهنگی، اسلام، پیامبر، فرهنگ.

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Mahdi.mostofi@isu.ac.ir
Gholami.sadra@gmail.com

۲. استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

۱- بیان مسئله

فرهنگ و ارتباطات را می‌توان سنگ بنای جوامع انسانی برشمرد. درباره این دو ویژگی جامعه انسانی که وجه ممیز انسان از دیگر موجودات است، بسیار بحث شده و تعریف‌های متعددی ارائه گردیده است (رضی، ۱۳۷۷: ۱۳۵). همچنین دنیای امروز را «عصر ارتباطات» نامیده‌اند. عنصر ارتباطات و آثار ناشی از آن در دنیای مدرن و پسامدرن است. ارتباطات دارای انواع گوناگونی است که یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین آن، ارتباط موسوم به «ارتباط میان فرهنگی» است. این نوع ارتباط، به‌رغم سابقه کهن، فراوانی، ضرورت و اهمیت و گستره روزافزون، تاکنون آن‌گونه که باید مورد مذاقه و تحلیل قرار نگرفته است (شرف‌الدین، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های هر مکتب، ترویج اندیشه و عقاید خود است. معمولاً نشر اندیشه در فرهنگ و اندیشه‌ای متفاوت صورت می‌گیرد که این ترویج عقاید را می‌توان ذیل ارتباطات میان فرهنگی بررسی کرد. اسلام در موارد متعددی توصیه به تبلیغ و معرفی خود کرده است. متولیان اسلام نیز از ابتدا طبق آموزه‌های الهی و سیره پیامبر (ص) مبادرت به تبلیغ اسلام برای غیرمسلمانان نمودند که داخل و خارج از شبه‌جزیره عربستان را شامل می‌شد؛ بنابراین بررسی آیات قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) در برخورد با غیرمسلمانان که از نظر دینی و فرهنگی با مسلمانان متفاوت بودند، می‌تواند ما را در دستیابی به الگوی ارتباطات میان فرهنگی مطلوب اسلام نزدیک کند. از آنجایی که این مقاله در پی بررسی چگونگی و کیفیت برقراری ارتباطات میان فرهنگی از دیدگاه اسلام با بررسی قرآن و سیره پیامبر (ص) است، سؤال اصلی آن است از: «اصول ارتباطات میان فرهنگی مطلوب از دیدگاه اسلام چیست؟»

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱- فرهنگ

فرهنگ برگردان «CultureK» به معنای کشت و کار و پرورش است که به پرورش فکری و روحی اطلاق یافته است. مفهوم گسترده و مدلول پر دامنه فرهنگ نزد مردم ایران در معانی بسیار، لیکن نزدیک هم به کار می‌رود: ادب، دانش، تربیت، معرفت، آگاهی، خردمندی، فرزندی و بزرگ‌منشی، مراد از آن مجموعه‌ای از صفات پسندیده،

فضیلت‌ها، هنرها، آداب، علوم، معارف و کلیه نیروهای اخلاقی و روحی است که بشر را از حالت بدوی خارج ساخته و به سوی کمال معنوی سوق می‌دهد (عباسیان، ۱۳۸۷: ۲۳). به‌طور کلی دانشمندان مختلف، برای معنای واژه فرهنگ بیش از ۲۵۰ تعریف برشمرده‌اند. این تعاریف به‌طور کلی در شش گروه جای می‌گیرند که عبارت‌اند از: تعاریف توصیفی، تعاریف تاریخی، تعاریف هنجاری، تعاریف روان‌شناختی، تعاریف ساختاری و تعاریف ژنتیکی (اسمیت، ۱۳۹۱، ۱۹-۱۷)؛ اما بر اساس نظر اکثر دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی عصر حاضر، می‌توان فرهنگ را مجموعه میراث‌های یک جامعه دانست که با توالی زمان‌ها و نسل‌ها شکل گرفته و قابلیت انتقال در زمان و مکان را با خود به همراه داشته باشد.

تعریف مختار از «فرهنگ» را می‌توان آنچه تایلر مطرح کرده، در نظر گرفت: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضوی از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد» (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۷).

۲-۲. ارتباطات میان‌فرهنگی

یکی از بهترین تعاریف از ارتباطات را محسنیان‌راد این‌طور مطرح کرده: «ارتباط عبارت است از جریان، فراگرد و یا تراکنش جابه‌جایی پیام میان حداقل دو منبع معنی مشروط بر آن که معنی متجلی شده در ارتباط گیر، مشابه معنی مورد نظر ارتباط گر باشد (محسنیان راد، ۱۳۹۵: ۴۶۳). از نکات مهم این تعریف تأکید بر مفهوم انتقال و جابه‌جایی پیام است؛ مسئله‌ای که در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی به‌طور قابل ملاحظه‌ای حائز اهمیت است.

مقصود از ارتباط میان‌فرهنگی، ارتباط میان مردمانی است که ادراکات فرهنگی و نظام نمادین آن‌ها به حدی از یکدیگر متمایز است که پدیده‌های ارتباطی را متفاوت جلوه می‌دهد. با توجه به این تعریف، می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطات میان‌فرهنگی به جنبه‌های شخصی، ذهنیات افراد دو طرف ارتباط در زمان برقراری ارتباط و نیز بررسی راه‌های تسهیل این ارتباطات و رفع موانع و سوء تفاهم‌های احتمالی در زمان ارتباط توجه دارد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). ارتباطات میان‌فرهنگی شامل کنش متقابل واقعی افراد از فرهنگ‌های گوناگون است. از این رو، این‌گونه ارتباطات می‌تواند به

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

عنوان فرایند مبادله اندیشه‌ها، معانی و کالاهای فرهنگی میان مردمانی از فرهنگ مختلف تعریف شود (رضی، ۱۳۷۷: ۱۴۲). به طور دقیق‌تر، ارتباط بین فرهنگی، ارتباط بین آن دسته از مردم است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی مجزا هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند. عبارت ارتباط بین فرهنگی مکرراً زمانی که به ارتباط بین مردم با فرهنگ‌های مختلف اشاره می‌شود، به کار می‌رود (سامووار، ۱۳۷۹: ۸۹).

از مجموع تعاریف فوق، این نکته کلیدی به دست می‌آید که ارتباط میان فرهنگی، در یک کلام به فرآیندی دلالت دارد که طی آن فرستنده‌ای از یک فرهنگ با برقراری ارتباط، پیامی را به گیرنده‌ای از فرهنگ دیگر انتقال می‌دهد؛ اما این ارتباط زمانی به سرانجام نهایی می‌رسد که رد یا پذیرش پیام از سوی طرف مقابل رخ دهد.

بارزترین نتیجه‌ای که از هرگونه تماس و ارتباط فرهنگی و میان فرهنگی انتظار می‌رود، پدیده‌ای است که از آن به «فرهنگ‌پذیری» تعبیر می‌شود. فرهنگ‌پذیری، مجموعه پدیده‌هایی است که از رهگذر تماس دائم و مستقیم میان افراد و گروه‌های وابسته به فرهنگ‌های متفاوت نتیجه می‌شود و تغییراتی را در الگوهای فرهنگی یک یا طرفین ارتباط موجب می‌گردد (کوش، ۱۳۹۰: ۹۲). در پی برقراری تماس‌ها و تعاملات میان فرهنگی، طبیعتاً واکنش‌هایی که از سوی پذیرندگان ارتباط شکل می‌گیرد متفاوت خواهد بود. از نظر چارالامبوس، ممکن است در فرایند ارتباط، مردم سعی در حفظ فرهنگ خود داشته یا نداشته باشند و نیز ممکن است سعی در برقراری تماس با فرهنگ دیگر داشته یا نداشته باشند (چارالامبوس، ۱۳۸۸: ۳۶۰). در این زمینه، دیدگاهی تحت عنوان «مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی» ارائه شده و بیانگر آن است که رابطه‌ای بین اتباع کشور میزبان و گروه‌های مهاجر تابعی از «جهت‌گیری‌های فرهنگ‌پذیری هم اکثریت میزبان و هم گروه‌های مهاجر بدان‌گونه است که تحت تأثیر سیاست‌های جذب دولت قرار می‌گیرد» (Bourhis, 1997: 369). این مدل مبتنی بر پاسخ به دو پرسش است:

۱. آیا این شما قابل قبول است که مهاجران میراث فرهنگی خود را حفظ کنند؟

۲. آیا می‌پذیرید که مهاجران با فرهنگ کشور میزبان انطباق پیدا کنند؟
اگر فرهنگ میزبان به هر دو پرسش، پاسخ «آری» بدهند، جهت‌گیری «جذب»

نسبت به مهاجران دارند و اگر پاسخ «نه» به پرسش ۱ و پاسخ «آری» به پرسش ۲ بدهند، دارای جهت‌گیری «همسان‌سازی» هستند. اگر میزبانان پاسخ «آری» به پرسش ۱ و پاسخ «نه» به پرسش ۲ بدهند، واجد جهت‌گیری «جداسازی» اند و در آخر، اگر پاسخ میزبانان به هر دو پرسش «نه» باشد، آنان دارای جهت‌گیری «طرد» هستند (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۷۰-۷۱).

اکنون با توجه به آنچه درباره مفهوم ارتباطات میان‌فرهنگی و نتایج محتمل از این ارتباط بین فرهنگ‌های متفاوت به طور مختصر بیان شد، به بررسی چگونگی ارتباطات میان‌فرهنگی بین مسلمانان و غیرمسلمانان طبق رفتار پیامبر (ص) و آموزه‌های قرآنی در دوران صدر اسلام می‌پردازیم.

۳. روش پژوهش

با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال کشف و تبیین ویژگی‌هایی یک پدیده از میان نمونه‌های تاریخی است، در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی-تاریخی به شمار می‌رود که به منظور گردآوری داده‌ها از مطالعه اسنادی متون مختلف اسلامی اعم از قرآن، منابع تاریخی، رجال، مناقب و حدیث بهره برده و در پایان با تطبیق موضوع با نمونه‌های تاریخی با استفاده از روش تبیینی، درصدد ارائه الگویی مرحله‌ای از موضوع اصلی پژوهش برآمده است.

۴. تحلیل تجربی

بعثت نبی اکرم (ص) در عصر جاهلیت هم‌زمان با رواج سایر ادیان پیشین بوده است. در شبه‌جزیره عربستان و به‌خصوص منطقه حجاز دین یهود، مسیحیت، مجوس، مرام‌های صابئی، ستاره‌پرستی و از همه بیشتر بت‌پرستی پیروان زیادی داشته که در شهرهای مختلف جزیره‌العرب سکونت داشتند (رسولی محلاتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۱۵۰).

در یک نگاه کلی می‌توان این آیین‌ها را به دو دسته آسمانی و غیرآسمانی تقسیم‌بندی کرد. از همین رو، شیوه برخورد پیامبر (ص) (ص) با یهودیان و مسیحیان به عنوان کسانی که پیروان ادیان صاحب کتاب آسمانی بوده و با زرتشتیان به عنوان کسانی که دارای آئین و مناسک خاصی بوده‌اند، بررسی می‌گردد.

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

۴-۱. شیوه تعامل پیامبر (ص) با یهودیان

«پیامبر (ص) در مقابل بدرفتاری یهودیان صبور بود و از نفاقشان چشم می‌پوشید و آنها را با مسلمانان برابر می‌گرفت و به آداب و رسوم دینی آنان احترام می‌گذاشت. بر پیمان‌هایی که با یهودیان بسته بود، استوار بود و اگر یکی از یهودیان برخلاف پیمان رفتار می‌کرد تنها به مجازات او اکتفا می‌کرد و دیگران را به گناه او نمی‌گرفت، چنان‌که درباره «کعب ابن اشرف» و «سلام بن ابی حقیق» که به مسلمانان خیانت کرده بودند، همین روش را به کار بست و متعرض یهودیان دیگر نشد. پیامبر (ص) با یهودیان مدارا می‌کرد و وقتی پیمان خود را می‌شکستند و بر آنها دست می‌یافت، در مجازاتشان حد اعتدال را نگه می‌داشت و یا به حکم کسی که یهودیان او را به داوری انتخاب کرده بودند، رضایت می‌داد. در واقع رفتار پیامبر (ص) با یهودیان خیلی ملایم‌تر از رفتار وی با مردم قریش و دیگر قبایل عرب بود» (حسن ابراهیم، ۱۳۶۲: ۱۴۸)؛ اما آنچه از مطالعه منابع تاریخی به دست می‌آید این است که عمده تعامل یهود با پیامبر (ص) و آیین اسلام مربوط به کارشکنی‌های آنان است. سران یهود که قصد پذیرش محمد (ص) را به عنوان پیامبری فرستاده شده از سوی خدا نداشتند، از آغاز دعوت علنی حضرت در عرصه‌های مختلف اقدام به کارشکنی‌های گوناگونی با ایشان و گرویدگان به آیین اسلام داشتند؛ اما در واکنش به عملکرد خصمانه و لجوجانه سران یهود با پیامبر (ص) و مسلمانان، رفتار پیامبر (ص) با یهودیان را می‌توان در قالب عناوین زیر تقسیم‌بندی نمود:

امضای پیمان‌نامه‌ها

پیامبر (ص) برای برقراری آرامش و امنیت در مدینه، پیمان‌نامه‌هایی امضاء نموده و به ادیان الهی دیگر آزادی عقیده داد. پیامبر (ص) مدینه را حرم اعلام کرد و دستور داد مردم در امور اجتماعی همکاری کنند. البته در این پیمان‌نامه‌ها گناهکاران و ستمگران استثناء بودند (ابن هشام، ۱۳۶۶: ج ۱، ۵۰۳).

دعوت به حق

پیامبر (ص) به یهودیان خبیر نامه نوشتند و آنان را دعوت کردند تا به حق برگردند، نشانه‌های پیامبری خود و مسلمانان را که در تورات آمده بود، تذکر دادند. بعد آنها را به چیزهایی که برایشان مقدس است، قسم دادند و فرمودند: اگر در تورات می‌یابید که به محمد (ص) ایمان بیاورید، ما شما را به سوی خدا و پیامبر (ص) او دعوت می‌کنیم (ابن

هشام، ۱۳۶۶: ج ۱، ۵۴۵). پیامبر (ص) در تمام مدت بر اساس پیمان‌نامه‌ها با یهودیان رفتار می‌کردند. پیامبر (ص) سعی می‌کرد با تأکید بر نقاط مشترک ادیان بین آن‌ها اتحاد ایجاد کند و از دو دستگی و ایجاد تشنج بین آن‌ها جلوگیری کند. پیامبر (ص) برای دعوت به توحید واقعی (کلمه سَوَاء) زحمات زیادی کشیدند؛ اما اهل کتاب از مسیر توحید منحرف شدند و در پیکره توحید، شرک و دوگانگی جوانه زد (سبحانی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۳۹۷).

مناظره و بحث علمی

اهل کتاب هم در مکه و هم در مدینه برای کارشکنی با پیامبر (ص) بحث و مناظره می‌کردند. آن‌ها می‌خواستند محبوبیت پیامبر (ص) را کم کنند، اما چون پیامبر (ص) به منبع علم یعنی خداوند متصل بود، این بحث و مناظره بر حق بودن او را ثابت می‌کرد. دانشمندان یهود نزد پیامبر (ص) رفته و می‌پرسیدند این مخلوقات را خدا آفریده است پس خدا را چه کسی آفریده است. پیامبر (ص) از هدف آن‌ها آگاه شد و خشمگین شد، اما جبرئیل نازل شد و آیات سوره توحید را بیان کرد. سپس علمای یهود پرسیدند: کیفیت خلقت توسط خدا چگونه بوده و منظور از دست خدا چیست؟ پیامبر (ص) برآشفت، جبرئیل برای دومین بار نازل شد و آیه ۶۷ سوره زمر را تلاوت کرد. خدا در این آیه می‌فرماید: «آن‌ها خدا را آن‌گونه که شایسته است، نشناخته‌اند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمان‌های پیچیده در دست او، خداوند متزه و برتر است از شریک‌هایی که برای او می‌پندارند» (ابن هشام، ۱۳۶۶: ج ۲، ۲۲۱).

استراتژی «تحدی»

تحدی پاسخی دیگر از پیامبر (ص) به کارشکنی‌های یهود بود؛ آن‌ها را دعوت کرد که اگر می‌توانند مانند قرآن، سوره‌ای از آن و یا حتی آیه‌ای از آن بیاورند؛ زیرا پیامبران الهی برای اثبات پیامبری خود معجزاتی دارند، معجزه پیامبر (ص) نیز قرآن کریم است؛ پس پیامبر (ص) برای اثبات حقانیت خود از قرآن استفاده نمود. (مکارم، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۹۹).

موعظه و اندرز

روش دیگر پیامبر (ص) در برخورد با کارشکنی‌ها موعظه و ارشاد آن‌ها بود اما باز هم در مواردی، اهل یهود از پذیرش موضع رثوفانه پیامبر (ص) سر باز می‌زدند. وقتی پیامبر (ص) متوجه شد که یهود به عهد خود وفادار نیست و قصد فتنه دارد

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

(جعفریان، ۱۳۶۰)، آن‌ها را در بازارشان جمع کرد و فرمود: ای گروه یهود بترسید که همان عذابی که به قریش نازل آمد بر سر شما نازل شود. یهود بنی قینقاع پاسخ دادند: از این که با مردم بی‌خبر از فنون جنگی، برخورد کردی مغرور نباش، تو توان رویارویی با ما را نداری. (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۷۶).

جنگ و تقابل نظامی

با ادامه داشتن کارشکنی‌های یهود علی‌رغم ۵ رفتار ذکرشده پیامبر (ص) با آنان، دوباره پیامبر (ص) یهود را به اسلام دعوت کردند، اما وقتی آن‌ها پیمان‌شکنی کرده و فتنه و آشوب ایجاد کردند، پیامبر (ص) فرمان جهاد و مبارزه مسلحانه را صادر کردند. البته فرمان جهاد فقط مخصوص یهود نبود و هر قبیله‌ای را که پیمان‌شکنی می‌کرد، شامل می‌شد. بر اساس آن پیمان‌نامه، اگر قبیله‌ای پیمان‌شکنی می‌کرد، باید مجازات می‌شد و مجازات برای مردان اعدام و برای زنان و فرزندان اسارت بود، بعضی قبایل هم مجازات کمتری می‌شدند و تنها از جامعه مسلمانان اخراج می‌شدند.

۴-۲. شیوه تعامل پیامبر (ص) با مسیحیان

پیامبر (ص) در برخورد با اهل کتاب، پیش و پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اصل اولیه رفتار خویش یعنی مدارا و رحمت را پیشه ساخت و تا آنجا که ممکن بود با گفت‌وگو و با عهد و پیمان سعی در زندگی مسالمت‌آمیز با آنان داشت؛ اما وقتی آنان پا را فراتر نهاده، به خیانت، کارشکنی و نقض پیمان رو آوردند، پیامبر (ص) ناگزیر از این اصل عدول کرده، به شدت با آنان برخورد می‌کرد (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

شاید بتوان نخستین تعامل مهم مسلمین با پیروان آیین مسیحیت را جریان هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه در ابتدای بعثت پیامبر (ص) دانست. پیرامون زمان دقیق و تعداد این گروه، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، اما این گروه به توصیه پیامبر (ص) و به سرپرستی جناب جعفر بن ابی‌طالب نزد حاکم مسیحی حبشه هجرت نمودند. مورخین عموماً از این حرکت به عنوان هجرت یاد کرده‌اند و این از آن روست که قرآن در سوره نحل، آیه چهل و یکم، از آن واقعه به عنوان هجرت یاد کرده است: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» و بعدها پیامبر (ص) آن را هجرت نامیدند (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۴۳-۳۴۴).

برخورد دیگر پیامبر (ص) با مسیحیان مربوط به ماجرای وفد نجران یا همان داستان

مباهله است که در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است. نجران نام منطقه‌ای بین صحرای حجاز و یمن بود که عمدتاً مسیحیان شبه جزیره عربستان فقط در آن منطقه می‌زیستند. با این وجود، آن‌ها را به قبول اسلام مجبور نکرد، بلکه به عکس، به آنان اجازه داد برای عبادت به آیین خویش، از مسجد مدینه استفاده کنند (بوازار، ۱۳۶۲: ۱۷۹). این بود که صلح‌نامه‌ای میان دو طرف نوشته شد و طبق آن، نصاری نجران متعهد شدند که هر سال دو هزار دست لباس که هر یک به قیمت تقریبی چهل درهم باشد به مسلمانان بدهند و نیز اگر جنگی اتفاق افتاد سی عدد زره جنگی و سی عدد نیزه و سی رأس اسب به عنوان امانت در اختیار مسلمانان قرار بدهند که پس از جنگ به خودشان عودت داده شود (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۷). پس از این صلح، خبر دیگری از مسیحیان نجران نداریم، جز آن که در سال نهم پیامبر، حضرت علی (علیه‌السلام) را به منظور جمع‌آوری زکات از مسلمانان و گرفتن جزیه از مسیحیان به یمن فرستاد. از آن پس هم مسیحیان بر عهد خود باقی بودند و هیچ لغزشی در برابر اسلام از ایشان گزارش نشده است. رسول‌الله هم با آنان برخوردی نداشت (صادقی، ۱۳۸۵: ۶۸).

همان‌گونه که از روایت فوق به عنوان یک نمونه تاریخی مشاهده می‌شود، شیوه پیامبر (ص) در قبال پیروان آیین نصرانیت نیز مشابه با پیروان یهود بود؛ با این تفاوت که سران مسیحیت به نبوت ایشان اقرار کردند و از تقابل نظامی با ایشان در بدو امر سر باز زدند. شیوه حضرت رسول (ص) در قبال ایشان نیز به مانند سایر ادیان، ابتدا بر دعوت به حق‌پرستی و تکیه بر مشترکات اعتقادی استوار بود و در جایی که لازم شد، با ایشان به بحث و گفتگو و مناظره پرداختند؛ اما زمانی که مداومت آنان بر نپذیرفتن فرمان خدا را دیدند، اقدام به تنذیر علنی نموده و آنان را به مباهله فرا خواندند که این ماجرا به پذیرش حق از جانب اهل مسیحیت منجر شد، اما عده‌ای از آنان بر آیین خود باقی ماندند. این مسئله موجب شد تا صلح‌نامه‌ای با آنان امضا شود تا بتوانند در قبال پرداخت امتیازاتی به حکومت اسلامی، از حق و حقوق مخصوص خود در جامعه برخوردار گردند. با این حال و با وجود همه تسامح و تساهلی که حضرت (ص) نسبت به مسیحیان داشتند، باز هم در بازه‌هایی از عمر شریف خود، ناچار به صف‌آرایی در مقابل پیروان آیین نصرانیت شد. سه مورد از این جنگ‌ها، در تواریخ ذکر شده است که البته این برخوردها هرگز با مسیحیانی که پیمان‌نامه صلح بستند، نبود؛ بلکه بیشتر به منظور دفع و رفع فتنه‌ها و

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

لشکرکشی‌های روم قدرتمند آن زمان و متحدان آن بوده است. غزوه دومه‌الجندل، غزوه تبوک و نبرد موته سه جنگ اساسی پیامبر (ص) با مسیحیان بود؛ البته توجه به این نکته ضروری است که همه این درگیری‌ها، با مسیحیانی که پیش از آن با پیامبر (ص) صلح‌نامه امضا کرده بودند، نبود و عمدتاً این فتنه‌انگیزی‌ها در خارج از بلاد اسلامی، سرزمین روم و متحدان سرچشمه می‌گرفت.

لحن قرآن، درباره اهل کتاب متفاوت است. از نظر قرآن کریم، اهل کتاب را نمی‌توان به یک نگاه دید. مسیحیان را که به تعبیر قرآن کریم، اهل تلاوت کتاب الهی، عبادت و ایمان به خدا و روز قیامت و متمایل به اسلام بودند، با یهودیان متعصب، لجوج و فتنه‌انگیز و پیمان‌شکن نمی‌توان یکی پنداشت (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

با بررسی آیات قرآن کریم پیرامون اهل کتاب به‌طور کلی ۲۵۷ آیه استخراج شده است که از میان آن آیات، حدود ۱۵۷ آیه مختص به مسیحیان است که به ۷ گروه تقسیم‌بندی شده‌اند (ارزانی و اهتمام، ۱۳۹۴: ۹۵-۱۰۳).

الف) تأیید برخی از مبانی مسیحیان

اولین شیوه ارتباط کارآمد با دیگران، تأیید و احترام به فرهنگ، مقدسات، آداب و رسوم ایشان است. قرآن کریم نیز به دنبال ایجاد همدلی و وفاق در ذیل سایه توحید و امت واحده است، در مواجهه با فرهنگ مسیحیت این اصل را بیان کرده است که می‌توان آن را در چهار محور مورد بررسی قرار داد.

آیات مربوط به تأیید حضرت عیسی (ع) به همراه ویژگی‌های ایشان مانند آیات ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره

آیات مربوط به حضرت مریم (س) مانند آیات ۳۵ و ۳۷ سوره آل عمران
آیات مربوط به کتاب انجیل مانند آیه ۲۷ سوره یونس و آیه ۹۲ سوره انعام
آیات مربوط به مؤمنان و حواریون مانند آیه ۱۴ سوره صف و آیه ۵۲ سوره آل عمران

ب) دعوت به وحدت مسیحیان و مسلمانان مانند آیات ۶۳ و ۶۴ سوره زخرف
در این قسمت بعد از این که آیاتی مشتمل بر احترام به اعتقادات مسیحیت و تأیید آن و همچنین استفاده از کلمات ارزشی نسبت به حضرت عیسی (ع) و حضرت مریم (س) بیان شد، آیاتی در زمینه دعوت مسیحیان به اتحاد و هم‌دلی در سایه توحید، عبودیت و

بندگی بیان می‌شود.

ج) بشارت به مسیحیان مؤمن و تابع حق

در این جا آیات قرآن مانند آیه ۶۲ سوره بقره و آیه ۶۹ سوره مائده اشاره‌ای به خصوصیت مسیحیان حقیقی و مؤمن که تابع حق هستند، می‌کند. این مرحله مخاطب قرار دادن مسیحیان از این روست که بعد از این که قرآن در ابتدا با احترام به مکتب مسیحیت و تأیید شخصیت‌های طراز اول آن، مسیحیان را به وحدت و همگرایی دعوت کرد، نتیجه آن عده‌ای از اهل کتاب به ندای حق لبیک گفته و با ایمان و عمل صالح مورد لطف و مغفرت الهی قرار گرفتند.

د) هشدار و سؤال از مسیحیان

بعد از آن که قرآن با شیوه رحمانی با مسیحیان ارتباط برقرار نمود و آن‌ها را به وحدت دعوت کرد، عده‌ای از اهل کتاب آن را اجابت کردند و مورد رضوان الهی قرار گرفتند، ولی عده‌ای از اهل کتاب با کتمان حق و علمی که به آیات حق داشتند، راه ضلالت و گمراهی را پیش گرفتند و قرآن کریم مانند آیه ۱۹ آل عمران و ۱۲۰ بقره با لحن هشداردهنده که در آن لطف و رحمتی خفی است، مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهند که شاید متنبه شوند.

ه) دعوت مسیحیان به تفکر

بعد از آن که قرآن کریم اهل کتاب را نسبت به کتمان حقایق هشدار داد، آن‌ها را دعوت می‌کند با تفکر و نگاه عقلانی به بعضی از معتقدات (که صرف ادعا و بی‌دلیل است) توجه کنند، چرا که نگاه عقلانی، آن‌ها را به وحدانیت خداوند و رسیدن به هم‌دلی و همگرایی با اسلام هدایت می‌کند. در این بخش مانند آیات ۶۵ آل عمران و ۱۱۷ نساء، مسیحیان را نسبت به تفکری که دارند، مورد نقد قرار داده و آن‌ها را به تفکر فرامی‌خواند.

و) بیان ویژگی‌های مسیحیان کافر و وعده عذاب

آیات این بخش مانند آیه ۵۴ سوره نساء و ۱۴۵ سوره بقره ناظر به این است که اهل کتاب بعد از آن که ایشان را به وحدت و سپس هشدار از اشتباه ایشان در عدم پذیرش حق و دعوت به تفکر فراخواند، باز عده‌ای از اهل کتاب به سبب گناه، حسادت، هوس‌های دنیا، نفاق و تجاوز از حدود الهی، در مقابل آیات روشن استنکاف کردند. از این رو قرآن کریم با عنوان کافران اهل کتاب به معنای این که حق را پوشاندند، چهره

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

واقعی آن‌ها را بیان می‌نماید و در بعضی آیات علت مخالفت و عدم پذیرش حق را بیان می‌کند و به ایشان وعده عذاب می‌دهد.

(ز) مباحثه و دستور به جنگ با مسیحیان

در این مرحله مطابق آیه ۱۷۹ سوره اعراف و آیه ۲۹ سوره توبه آخرین شیوه برخورد قرآن کریم با اهل کتاب و مسیحیان است که دستور قطع رابطه و جنگ با معاندان و منکران حقایق روشن الهی را می‌دهد.

از مجموع مطالبی که بیان شد، می‌توان، شیوه تعاملی مطلوب اسلام که از طرفی ریشه در آیات کتاب وحی داشته و از سوی دیگر در سیره عملی و زندگانی پیامبر (ص) متجلی شده است را تحت عناوین زیر تقسیم‌بندی کرد:

دعوت به حق و پذیرش اسلام

اولین کنش ارتباطی پیامبر (ص) با اهالی سایر بلاد، ارسال فراخوان برای گرویدن به دین مبین اسلام بود. به این منظور ایشان با ارسال دعوت‌نامه به سران حکومت‌های مختلف از جمله حکومت روم یا حبشه، آنان و ملت‌هایشان را به پذیرش حق و آخرین دین برحق الهی فراخواندند.

تأیید و تبیین مشترکات مسیحیت و اسلام

پیامبر (ص) اعظم (ص) با استفاده از منابع خود مسیحیان و اشاره به مطالبی که پیرامون پیامبر (ص) آخرالزمان در انجیل ذکر شده بود، حقانیت خود را برای اهل نصاری به اثبات رسانید و ضمن تبیین برخی شبهات راجع به حضرت مریم (س)، ولادت و عروج حضرت مسیح (ع) و حواریون ایشان؛ اعتماد بسیاری از مسیحیان را به خود جلب نمود و عده زیادی از آنان، از این طریق مسلمان شدند.

تبشیر به مسیحیان مؤمن و انذار به سرپیچی کنندگان آنان

بسیاری از مسیحیان پس از ظهور اسلام، به این دین مبین گرویدند اما گروه‌هایی نیز بودند که نه تنها اسلام را نپذیرفته بلکه به اصول آیین مسیحیت نیز پایبند نبوده و از فرامین الهی سرپیچی می‌کردند. یکی از کارهای مهم پیامبر (ص) که در قرآن نیز موارد متعددی از آن یافت می‌شود، انذار به این گروه به امید دست برداشتن از حق‌گریزی و کتمان حق و پایان دادن به اختلافات میان دو آیین است.

مباحثه و مناظره با مسیحیان

آنجایی که اهل نصاری نسبت به دعوت پیامبر (ص) تردید داشتند یا از پذیرش آن سر باز می‌زدند، حضرت با سعه‌صدر فراوان با آنان به بحث و گفتگو می‌نشستند. این گفتگوها به دو صورت بود: گاهی خود پیامبر (ص) برای جذب آنان به سوی دین خدا اقدام به مباحثه و بیان ادله می‌نمود و گاهی نیز سران، بزرگان و راهبان مسیحی گروه گروه نزد ایشان می‌آمدند تا سخنان ایشان را شنیده و با معتقدات خود پیرامون پیامبر (ص) آخرالزمان تطبیق دهند. استفاده از روش‌های منطقی و استدلال‌های تاریخی قید شده در پیشینه آیین مسیح، از مهم‌ترین استراتژی‌های پیامبر (ص) به هنگام مناظره با پیروان این آیین بود.

انعقاد صلح‌نامه و پیمان‌نامه

برخی از اقوام مسیحی، به هر دلیلی به اسلام روی نیاوردند اما از سویی منکر حقانیت پیامبر (ص) نیز نمی‌شدند. پیامبر (ص) با این اقوام اقدام به امضای پیمان‌نامه و قرارداد صلح نمودند؛ بدین ترتیب این اطمینان خاطر به مسلمانان داده می‌شد که از ناحیه آن اقوام به آنان گزند نخواهد رسید و از سوی دیگر، این دسته از پیروان آیین مسیح می‌توانستند در دیار خود و ضمن حفظ امنیت جانی و مالی به زندگی خود ادامه دهند.

اعطای حق شهروندی در قبال پرداخت جزیه

گروه‌هایی از اهل کتاب بودند که دعوت پیامبر (ص) را نپذیرفتند اما در عین حال می‌خواستند که با حفظ صلح و تأمین امنیت، در همان مکان زندگی‌شان در داخل حکومت اسلامی باقی بمانند. این مسئله را می‌توان زیرمجموعه‌ای از صلح‌نامه‌ها نیز برشمرد اما باید دقت داشت که صلح‌نامه‌ها هم شامل بر توافق با گروه‌های مسیحی تحت احاطه حکومت اسلام و هم شامل اقوامی خارج از بلاد و حکومت اسلامی می‌شد؛ اما گروه‌هایی که در داخل محدوده جغرافیایی بودند، ضمن امضای صلح‌نامه ملزم به پرداخت جزیه به حکومت اسلامی می‌شدند و اگر از پرداخت آن مال استکفاف می‌کردند، با برخورد حکومت اسلامی مواجه می‌شدند.

فراخواندن به مباحله و اقدام نظامی

زمانی که سران نصاری حقانیت پیامبر (ص) را نپذیرفتند و بر آن اصرار ورزیدند، آیات مربوط به مباحله به ایشان نازل گردید و این امر موجب عقب‌نشینی آنان از مواضع خلاف حقتشان شد. علی‌رغم این که مشی کلی رسول‌الله (ص) در قبال مسیحیان، مدارا و

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

صلح‌جویی بود اما در سه مقطع تاریخی هنگامی که زمزمه حمله از جانب سپاهیان روم و دیگر مسیحیان متحد آن‌ها منتشر شد، حضرت پیامبر (ص) سپاهیان اسلام را راهی جنگ با آنان کردند تا از حدود سرزمین اسلامی دفاع کنند؛ جنگ‌هایی که البته به طور فراگیر به وقوع نپیوست و با پراکنده شدن سپاهیان مقابل غائله خاتمه یافت. اقدام نظامی، آخرین مرحله از شیوه‌های تعاملی پیامبر (ص) با مسیحیان به منظور کنترل سرپیچی‌ها و توطئه‌آفرینی‌ها و در صورت مقاومت، حذف فیزیکی آنان بود.

۳-۴. شیوه تعامل پیامبر (ص) با زرتشتیان

نام آیین زرتشت یا «مجوس» در قرآن فقط یک بار در آیه ۱۷ سوره حج آمده است. «هنگامی که یمن با پیامبر (ص) بیعت نمود، پیامبر (ص) عده‌ای را بدانجا فرستاد تا مردم را به احکام و شریعت اسلام آشنا سازند و از کسانی که اسلام می‌آوردند زکات اخذ کنند و از آنان که به آیین مسیح و مجوس باقی می‌ماندند، جزیه بگیرند. در بحرین مرزبان ایرانی و برخی از هم‌وطنانش به اسلام گرویدند ولی دیگران به کیش زرتشت باقی ماندند و به ازای هر فرد بالغ و رشید یک دینار به‌طور سرشمار جزیه می‌دادند؛ خردسالان و افراد بیمار و ناتوان هم معاف از جزیه بودند» (براون، ۱۳۶۶، ج ۱، ۲۸۹).

در سال هشتم هجری و هنگامی که پیامبر (ص) از غزوه حنین باز می‌گشت، علاء بن حضرمی را با نامه‌ای به‌سوی منذر بن ساوی روانه کرد و او را به اسلام دعوت نمود. منذر اسلام آورد و برای آن حضرت نوشت که نامه را برای اهل هَجَر خواندم؛ هر که خواست مسلمان شد و هر که خوش نداشت بر دینش باقی ماند. آنگاه نوشت که در سرزمین من مجوس و یهود هم هستند و پیرامون آنان از پیامبر (ص) کسب تکلیف کرد. پیامبر (ص) در پاسخش نوشت: تا زمانی که بر راه راست باشی والی آنجا بمان. بر مجوسیان هم اسلام را عرضه کن و اگر نپذیرفتند باید جزیه بدهند و ازدواج با آنان نشاید و ذبیحه‌شان خورده نشود (زهری، ۱۴۱۸: ج ۱، ۲۰۲). در نامه مشابهی هم که برای والی عمان فرستاده شد، گرفتن جزیه از مجوس ذکر شده است. این تنها مطلبی است که از تعامل پیامبر (ص) و مجوسیان در عهد خود آن حضرت گزارش شده است. پیداست که مجوسیان با مسلمانان کنار آمده، به زندگی مسالمت‌آمیز در جوار آنان ادامه دادند و تخلف و معارضه‌ای با دولت مرکزی نداشتند و به همین دلیل، پیامبر (ص) هم با آنان کاری نداشت (صادقی، ۱۳۸۵، ۶۵). در روابط بین پیامبر (ص) با زرتشتیان، مبنای

برخورد، همزیستی مسالمت آمیز و پرهیز از جنگ بود؛ اما در روابط اجتماعی فی مابین، پیامبر (ص) در امر ازدواج و ذبیح، برای ارتباطات مسلمانان با آن‌ها محدودیت‌هایی اعمال فرمود (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹). از آنجا که اهل مجوس از همان ابتدا یا بدون استتکاف به اسلام گرویده و یا عده‌ای از آن‌ها خواسته‌اند که بر همان آیین قبلی‌شان بمانند، لذا تعامل مسلمانان با آن‌ها به طور حداقلی بوده است و تنها مراده‌ای که از آنان با پیامبر (ص) گزارش شده است، همان پرداخت جزیه بوده است؛ از سوی دیگر ممنوعیت ازدواج با اهل مجوس و حرمت خوردن غذاهای آنان و احکامی از این قبیل، موجب ارتباط حداقلی مسلمین با این گروه بوده است.

در تفسیر المیزان در ذیل تفسیر آیه ۳ سوره مائده روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «مجوس را رسم چنین بود که حیوان سربریده را نمی‌خوردند و به جای آن، مردار می‌خوردند و برای مردار کردن حیوانات، از قبیل گاو و گوسفند، آن‌ها را خفه می‌کردند. همچنین «موقوذه» را که یکی دیگر از مصادیق میته است، از این جهت نام برده که مجوس دست‌وپای حیوان را می‌بستند و آن‌قدر می‌زدند تا بمیرد. وقتی به کلی بی‌جان می‌شد، آن را می‌خوردند و «متردیه» که آن نیز رسم مجوس بود، به این صورت که چشم حیوان را می‌بستند و از بام پرت می‌کردند تا بمیرد. وقتی می‌مرد، گوشش را می‌خوردند و «نطیحه» که آن نیز حیوانی بود، به رسم مجوس به وسیله شاخ حیوان دیگر می‌مرد و نیز «ما أكلَ السَّبْعُ إِلَّا ما ذَكَيْتُمْ» که مجوس نیم‌خورده درندگان چون گرگ و شیر و خرس را می‌خوردند و خدای عزوجل همه این‌ها را حرام کرد» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۱، ۳۷۱). این امر از منظر اقتصادی به ساختاربخشی از بازار زرتشتیان لطمه وارد می‌کرد؛ زیرا طیف عظیمی از ساکنان به اسلام گرویده بودند؛ بنابراین خریداران ذبیح در بازار زرتشتیان، تنها پیروان دین زرتشتی بودند و در این بخش، با رکود مواجه شدند؛ اما در سایر مناسبات و روابط اجتماعی، هیچ‌گونه محدودیتی اعمال نشده بود و آنان همچنان بخشی از جامعه اسلامی به شمار می‌رفتند و از حقوق شهروندی برخوردار بودند. بدین ترتیب پیامبر (ص) بدون استفاده از ابزار طرد اجتماعی، آنان را به عنوان یک شهروند در جامعه پذیرفت (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۷).

پیامبر (ص) در پی مقابله و ایجاد ناامنی در منطقه نبود؛ هرچند در نامه‌ای که به اهالی هجر نوشت یادآور شد که توانایی مقابله و اخراج آنان را دارد، اما چنین نمی‌کند

اکنون به تبیین این الگو می‌پردازیم:

تأیید و تأکید بر اشتراکات فرهنگی: در آغاز هر فرآیند ارتباطی می‌بایست ابتدا با تأیید مفاهیم و مبانی مشترک، گام مهمی در راستای کسب اعتماد به منظور استحکام فرآیند ارتباط با طرف مقابل ایجاد نمود.

تبلیغ و دعوت به فرهنگ خودی: پس از آشنایی نسبی طرف مقابل با فرهنگ خودی، می‌توان از آن جهت آشنایی بیشتر و گرویدن به فرهنگ خودی، دعوت به عمل آورد. پس از صورت گرفتن دعوت و فرآیند تبلیغ، امکان دو نوع واکنش از طرف مقابل می‌رود که نخست، پذیرش دعوت و برقراری ارتباط سازنده فرهنگی است؛ مانند بسیاری از گروه‌ها و قبیله‌هایی که در هنگام دعوت پیامبر (ص) در زمان بعثت با روی خوش از دعوت ایشان استقبال نمودند. در غیر این صورت دومین واکنش، نادیده گرفتن دعوت و عدم استقبال از آن است.

نصیحت و دعوت به تفکر و گفتگوی آزاد علمی: طبیعتاً در مسیر ارتباط میان فرهنگی ممکن است مقاومت‌هایی از سوی فرهنگ مقابل رخ دهد؛ نکته حائز اهمیت آن است که در این مقطع نباید به دنبال تحمیل ارزش‌های فرهنگ خودی به سایرین بود. در این مرحله برای شفافیت بیشتر و جذب حداکثری از فرهنگ مقابل، برگزاری مناظرات و کرسی‌های آزاداندیشی در قالب گفتگوهای آزاد علمی می‌تواند تا حد زیادی نقاط ابهام را برطرف کند. دعوت به تفکر پیرامون ارزش‌های فرهنگ خودی، موجب افزایش اعتمادسازی در آحاد گروه مقابل می‌شود و این امر تسهیل‌کننده فرآیند ارتباط میان فرهنگی خواهد شد.

پس از انجام گفتگوهای آزاد علمی و منطقی، واکنش آحاد فرهنگ مقابل را می‌توان در سه نوع، دسته‌بندی نمود: نخست، افرادی هستند که مناظرات و مباحثات علمی را قانع‌کننده می‌یابند و به حقانیت و اصالت فرهنگ اسلامی پی می‌برند. دومین طیف، افرادی هستند که علی‌رغم منطقی یافتن استدلال‌ها، به دلایل مختلف، علاقه‌ای از خود نسبت به پذیرش فرهنگ عرضه‌شده نشان نمی‌دهند، درعین حال آن را محترم می‌دانند؛ نتیجه این رویکرد، قطع ارتباطات مؤثر فرهنگی-ارتباطی و فاصله‌گذاری بین فرهنگ‌هاست. سومین گروه، کسانی هستند که گفتگوهای آزادانه علمی و منطقی را بر نمی‌تابند و به‌هیچ‌روی علائمی از تمکین فرهنگ عرضه‌شده را بروز نمی‌دهند.

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

راهبردی که برای مواجهه با این گروه پیشنهاد می‌شود، انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مشترک فرهنگی است.

انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مشترک فرهنگی: در این مرحله می‌توان بر سر بعضی امور که بین دو طرف متفاوت است، تفاهم‌نامه‌های همکاری مشترک منعقد نمود تا آحاد هر دو گروه یا اجتماع به یک رویه واحد مورد اتفاق عمل نمایند. گفتنی است این راهبرد، در جهت کنترل برخی گروه‌ها یا خرده‌فرهنگ‌های سرکش نیز مناسب است؛ مانند رفتاری که پیامبر (ص) در آغاز حکومت در مدینه با قبایل یهودی ساکن در این شهر انجام دادند.

در این مقطع، گروهی که پایبند به تعهدات و پیمان‌های بسته‌شده باقی بماند، می‌تواند با حفظ جایگاه فرهنگ در کنار مسلمین و فرهنگ اسلامی آنان زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشد؛ اما گروهی که نخواهد در قالب این تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مشترک فرهنگی بگنجد و سعی در استعلا‌ی فرهنگ خودش بر فرهنگ اصیل اسلامی داشته باشد، طبعاً با واکنش‌ها و هشدارهای حکومت اسلامی مواجه خواهد شد.

هشدار در برابر تقابل و تهاجم فرهنگی: اعتقادات جزمی و تعصبات بیجا در بسیاری از مواقع مانع از پذیرش کلام حق می‌گردد. در فرآیند ارتباطات میان‌فرهنگی نیز این پدیده رایج است؛ با توجه به اینکه دین مبین اسلام هیچ‌گاه در پی اجبار یا تحمیل عقاید خود به دیگران نبوده اما گاهی هشدار به سایر فرهنگ‌ها ضروری می‌نماید. باید دقت داشت که این هشدار الزاماً باید یک شرط اساسی را داشته باشد: و آن این است که فرهنگ مقابل، با تعرض از تفاهم‌نامه‌ها و زیر پا گذاشتن تعهدات قبلی، درصدد ایجاد هجمه، تخریب یا آسیب‌رسانی به فرهنگ اسلامی باشد. در صورتی که این امر به وقوع پیوندد، متولیان حکومت اسلامی بار دیگر بر صلح‌جویی و مدارا با مخالفان خود تأکید می‌ورزند؛ اگر این امر ثمربخش بود، نتیجه آن جداسازی فرهنگی و قطع ارتباط کامل بین دو گروه یا دو ملت خواهد بود؛ اما اگر باز هم دشمنی‌ها ادامه پیدا کرد، فرآیند ارتباط وارد مرحله دیگری می‌شود و آن دفاع از ارزش‌های فرهنگی خودی است.

دفاع و مبارزه با فرهنگ مخرب مقابل: چنانچه اقدامات مخرب و آسیب‌زای فرهنگ مقابل تداوم یابد و به هشدارهای ارسال‌شده توجهی صورت نپذیرد، بدون شک

تنها راه باقی مانده، دفاع از کیان فرهنگ خودی و عدم پذیرش سلطه فرهنگ بیگانه خواهد بود. مسئله‌ای که به وضوح در رفتار پیامبر (ص) به خصوص درباره قوم یهود و برخی مسیحیان خارج از سیطره حکومت اسلامی از جمله روم، نیز قابل مشاهده است. البته بدیهی است که این اقدام از سوی فرهنگ اسلامی با اکراه همراه است، چرا که در اسلام اصل بر مدارا و صلح طلبی است و مقابله مستقیم و علنی تنها در زمانی جایز است که طرف مقابل به طور آشکارا در صدد آسیب رسانی و حذف فرهنگ اسلامی برآید. نتیجه این مرحله، طرد فرهنگی بین دو گروه خواهد بود و هر یک از طرفین، به شدت با مظاهر فرهنگ روبرو مقابله و در برابر پذیرش آن مقاومت خواهد کرد.

۵. نتیجه گیری

فرهنگ اسلامی با رویکردی صلح جویانه و خیرخواهانه همواره به دنبال برقراری تعامل مثبت و سازنده با سایر فرهنگ‌های دیگر است. این مسئله از سیره نبوی و برخی آیات قرآن کریم نیز قابل استخراج است. ارتباطات میان فرهنگی از نظر اسلام، دارای چارچوب مشخصی است که اجازه برقراری تعامل بدون قید و شرط با اهالی سایر فرهنگ‌ها را نمی‌دهد و همواره در این مسیر بایدها و نبایدهایی را مشخص می‌نماید. به عنوان مثال می‌توان به محدودیت‌هایی که در حوزه غذایی اعمال می‌شود، اشاره نمود. همچنین فرآیند ارتباط میان فرهنگی از نگاه اسلام، نباید به هیچ وجه، به تسلط فرهنگ بیگانه بر مسلمانان منجر شود. البته که همه مردم مجبور به پذیرش فرهنگ اسلامی نیستند، اما اجازه تسلط بر مسلمین را هم ندارند و در صورتی که دست به اقدام‌های خرابکارانه و آسیب‌زا در جهت تخریب وجهه فرهنگ مسلمین بزنند، بر مسلمانان، فعالان فرهنگی و نهادهای مربوط به این حوزه وظیفه است که اقدام متقابل را در برابر آنان انجام دهند و از هرگونه انفعال فرهنگی پرهیز کنند. مراحل به دست آمده از الگوی مدنظر اسلام عبارتند از: ۱) تأیید و تأکید بر اشتراکات فرهنگی ۲) تبلیغ و دعوت به فرهنگ خودی ۳) نصیحت و دعوت به تفکر و گفتگوی آزاد علمی ۴) انعقاد تفاهم نامه‌ها و قراردادهای مشترک فرهنگی ۵) هشدار در برابر تقابل و تهاجم فرهنگی ۶) دفاع و مبارزه با فرهنگ مخرب.

شایان ذکر است که مرحله‌ای بودن این فرآیند ارتباطی، به معنای حرکت از مرحله

اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)

ابتدایی و الزاماً رسیدن به مرحله پایانی نیست. همان‌گونه که در مدل ارائه شده (شکل شماره ۱)) نیز قابل مشاهده است، گاهی ممکن است واکنش فرهنگ مقابل به گونه‌ای باشد که نیازی به طی کردن مراحل جدید نباشد. در واقع، گذار از هر مرحله، نیازمند تأمل، درک واکنش فرهنگ مقابل و به فراخور آن تصمیم‌گیری جدید در سیر ارتباط است؛ به این معنا که شرط عبور از هر مرحله، عدم تحقق اهداف فرهنگی-ارتباطی در آن مرحله است. درک آسان‌تر این نکته با دقت در سیره نبوی میسر می‌گردد؛ به‌عنوان مثال روشی که ایشان در تعامل با پیروان مجوس در پیش گرفته بودند، به‌هیچ‌وجه به مراحل پایانی این فرآیند نرسید و پس از آن هیچ‌گونه تلاشی در جهت مخالفت با اسلام و مسلمانان از خود بروز ندادند. به همین سبب پیامبر (ص) و مسلمین هم هیچ‌گاه با آنان برخورد جدی نداشتند یا با آنان وارد مرحله انذار و مقابله نظامی نشدند.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۹۴). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۶). زندگانی پیامبر (ص) اسلام (السيره النبویه)، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه.
- ارزانی، حبیب رضا؛ اهتمام، حامد (۱۳۹۴). الگوی ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با مسیحیان در قرآن کریم، نشریه الهیات تطبیقی، ۶(۱۴): ۸۹-۱۰۶.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان. تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- براون، ادوارد (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه: علی‌پاشا صالح، تهران: مروارید.
- بوازار، مارسل (۱۳۶۲). انسان‌دوستی در اسلام، ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: طوس.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۳). معارف قرآنی داستان مباحله، ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۰: ۱۲-۲۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۰). تاریخ سیاسی اسلام سیره پیامبر، تهران: جاویدان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). سیره پیامبر، قم: دلیل.
- چارالامبوس تریاندیس، هری (۱۳۸۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: جامعه‌شناسان.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۸). درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضی، حسین (۱۳۷۷). ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)، دین و ارتباطات، شماره ۶: ۱۳۵-۱۶۶.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار.
- زهری، محمد بن سعد (۱۴۱۸). الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سامووار، لاری؛ استفانی، لیزا؛ پورتر، ریچارد (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ‌ها، ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی، تهران: باز.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۵). منشور جاوید، قم: موسسه امام صادق (ع).

- اصول ارتباطات میان فرهنگی از منظر اسلام؛ بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر (ص)
- سعادت، احمد (۱۳۸۵). سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر (ص) اعظم (ص) با اهل کتاب، کوثر معارف، شماره ۱: ۱۶۷-۲۲۳.
- شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۸). ارتباطات میان فرهنگی در یک نگاه، ماهنامه معرفت، شماره ۱۹: ۱۳۳-۱۵۶.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۵). رفتار پیامبر (ص) با پیروان دیگر ادیان، نشریه هفت آسمان، شماره ۳۲: ۵۵-۹۸.
- صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: امیر کبیر.
- عباسیان، علی اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی، تهران: اختران.
- کوش، دنی (۱۳۹۰). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گادیکانست، ویلیام. بی (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی، جلد اول، ترجمه حسن بشیر و همکاران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۵). ارتباط شناسی، تهران: سروش.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). تفسیر نمونه (۲۷ جلدی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). المغازی (۳ جلدی)، بیروت: موسسه العلمیه للمطبوعات.
- یوسفی، عثمان؛ یوسفی فر، شهرام؛ علی بیگی، حسین (۱۳۹۵). گسترش دین زرتشت در جزیره العرب و روابط پیامبر (ص) با زرتشتیان، پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۶(۲۲): ۲۷-۵۶.
- Bourhis, R., Moise, L., Perreault, S., & Senecal, S. (1997). Towards an interactive acculturation model. *International journal of Psychology*, 32, pp. 359-383.